



انقلاب اسلامی در لبنان از دیدگاه حزب الله

در رابطه با مسائل کلی لبنان، نشستی با برادر سید ابراهیم امین سختگویی حزب الله لبنان و برادر ابوشام رهبر حرکت عمل اسلامی داشتیم که در آغاز آقای امین سخنان خود را بدینگونه شروع کردند:

وضعیت لبنان قبل از اشغال

در ابتدای سخن لازم است مقدمه ای را در این زمینه متذکر شوم. مسلمانان لبنان تا قبل از اشغال لبنان از سوی اسرائیل، در وضعیت بسیار دشواری بسر می بردند. و گرچه در این مدت فعالیت های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تا اندازه ای وجود داشت ولی عملاً لبنان محکوم نیروهای آمریکا، فرانسه و اسرائیل بود و رژیم حاکم بر این کشور هم پیمان با این قدرتها شده بود، گذشته از اینکه این رژیم، اساساً متشکل از مارونی های است که دست نشاندگی های قدیمی استعمار فرانسه می باشند. ضمناً احزاب سیاسی بزرگ و گوناگونی اعم از احزاب لبنانی و فلسطینی وجود داشتند. و از نظر وضع داخلی، لبنان همواره سرگرم جنگها و برخوردهای خونین نظامی در این هفت سال گذشته بوده است. ولی در طول این مدت، یک خط اسلامی مشخصی، چه از جهت اهداف و خط مشی ها و چه از جهت ماهیت وجود نداشت، تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روحیه مسلمانان در سراسر جهان بویژه در لبنان، بالا رفت و به آنها نیرو و اعتماد به نفس بیشتری بخشید. و هنگامی که اسرائیل جنوب لبنان را اشغال کرد، مرحله ای نوین برای مسلمانان مبارز در لبنان پدید آمد زیرا شرایط هجوم به گونه ای بود که در پیشبرد کار بسی مؤثر بود.

وضع داخلی، آشفته و بهم ریخته بود و بهیچ وجه آمادگی برای نبرد با اسرائیل به چشم نمی خورد و جنگ با اسرائیل تنها در اعلامیه ها و شعارهای احزاب و گروه ها به گوش می رسید. در چنین وضعیتی، اسرائیل با تمام قدرت حمله را آغاز کرد و نیروهای نظامی احزاب و نیروهای فلسطینی را درهم کوبید و تمام اسلحه ها را به

نابودی گذاشتند. و هیچ مقاومتی از سوی گروه های مختلف نبود بجز مقاومت مختصری از سوی مؤمنان و مسلمانان حقیقی که آن هم با اسلحه های بسیار ناچیز و عدم تشکل، کاری نتوانست از پیش ببرد.

توطئه های سیاسی

همزمان با اشغال لبنان، اسرائیل به توطئه ها و طرح های سیاسی در کشور پرداخت و برای اینکه رژیم سازگار با اسرائیل روی کار آید، مسله هیئت نجات لبنان جهت به قدرت رساندن بشیر جمیل عنوان شد و از این پس تمام، مارونی ها بویژه کتائب و هم پیمانان شان، با اسرائیل همکاری کرده و برای نابود کردن مسلمانان یکدمت شدند. در این میان ائتلافی بزرگ بین اسرائیل و لبنان برقرار شد که تقریباً با موافقت و صحنه گذاشتن تمام احزاب و گروه های سیاسی و شخصیت های مؤثر در کشور، حتی احزاب و شخصیات اسلامی، روبرو شد.

پس از چندی موافقتنامه ۱۷ مه مطرح شد که از قرارداد کمپ دبوید هم ننگین تر و شرمن آورتر بود در این رابطه اکثر قریب به اتفاق احزاب چپ گرا و شخصیت های سیاسی با آن موافق بودند و با لاف در برابر آن سکوت کرده و هیچ موضعگیری نکردند.

در این میان نیروهای چند ملیتی، بخصوص نیروهای «مارن» آمریکائی و نیروهای فرانسوی وارد لبنان شدند تا از اسرائیل حمایت کرده و رژیم جمیل را سر پا نگهدارند.

نقش پاسداران انقلاب اسلامی

حمله اسرائیل، توجه جمهوری اسلامی را به لبنان بیشتر جلب کرد زیرا لبنان آماده بود تا یک نقش اسلامی بزرگی را ایفا کند. حمله اسرائیل، جمهوری اسلامی را بر آن واداشت تا بر اساس رهنمودهای امام، عکس العمل نشان دهد و برادران پاسدار را جهت کمک به مسلمانان در جنگ با اسرائیل به لبنان اعزام نماید. من در اینجا اعلام می کنم که: در تاریخ کارزار لبنان، وجود برادران پاسدار تمام معادلات بین المللی را

عوض کرد زیرا آنها روحیه انقلابی و شهادت طلبی و خط انقلاب و رهبری امام را از جمهوری اسلامی به لبنان منتقل کردند، تا آنجا که بنظر می رسد ما با جمهوری اسلامی ارتباط جغرافیائی مستقیم داریم و هیچ فاصله و مرزری میان خود و آنها نمی بینیم.

مقابله سیاسی و نظامی

در گذشته، مردم نوعی وحشت و اضطراب در روبرویی با اسرائیل داشتند ولی با پشتیبانی جمهوری اسلامی جهان نیرو و قدرت گرفتند که مرحله مقابله با اسرائیل آغاز شد. در اولین اقدام مؤمنان و متعهدان به اسلام در برابر هیئت نجات لبنان و ریاست بشیر جمیل ایستادگی کردند و همچنین به هیچ وجه نپذیرفتند که نهب ببری وارد هیئت نجات شود و آن را خیانت بزرگی دانستند. اینان فرار داد ۱۷ مه را رد کرده و اولین شهید را در مقابله با این فرار داد، تقدیم اسلام کردند. نام آن شهید «محمد نجده» بود، که در اثر تحقن علما در «بشراعیه» و درگیری با ارتش فالانژ به شهادت رسید.

مؤمنین به نهضت و پایداری خود ادامه دادند تا فرار داد ۱۷ مه ملنی و بشیر جمیل مردود شد. در هر صورت ما نپذیرفتیم که بشیر جمیل بر رأس حکومت قرار گیرد زیرا او اتانسی آدمکش سفاک و وابسته به اسرائیل بود.

پس از به هلاکت رسیدن بشیر جمیل، برادرش امین جمیل حکومت را بدست گرفت، او گرچه مورد ناپید شخصیت های مسلمان زیادی بود، به هیچ وجه مؤمنین او را نپذیرفتند و با او به مقابله پرداختند.

و اما از نظر نظامی، مؤمنین لبنان، دو برنامه بسیار جالب را انجام دادند: انفجار مقر آمریکائیان و فرانسویها و انفجار مقر فرمانده نظامی در صور (جنوب لبنان).

انفجار مقر آمریکائیان و فرانسویها بسیار حیرت انگیز بود. تمام دنیا بیت زده و با اعجاب به آن نگرستند. یکی از نکته های جالب در این دو انفجار، انتخاب زمان مناسب میان دو انفجار بود

که تقریباً بیش از شش دقیقه فاصله دو انفجار نبود و این بدین معنی است که هر دو از یک جا سرچشمه گرفته اند.

انفجار مقر فرماندهی نظامی نیز برای ما اهمیت بسزائی دارد زیرا با این انفجار، عطف مقاومت و پایداری اسلامی علیه اسرائیل غاصب، پایه گذاری شد. این انفجارها روحیه مسلمانان لبنان را بغدردی بالا برد که آماده مقابله و نبرد سهمگین با آمریکا، اسرائیل و فرانسه شدند و دیگر از مرگ و کشته شدن نه تنها ابائی نداشتند که آن را بالاترین افتخار می دانستند، زیرا روحیه شهادت طلبی در آنان پرورش یافته بود.

انگیزه نهضت

نهضت در جنوب لبنان با تکیه بر تکلیف و وظیفه شرعی آغاز شد به این معنی که هر اتان مؤمن و متعددی که سرشش با رهبری امام خمینی و انقلاب اسلامی گره خورده می دانست، احساس تکلیف شرعی می کرد که با اسرائیل جنایتکار وارد نبرد شود. بعلاوه آنان که در جنوب لبنان با اسرائیل می جنگیدند، نه تنها برای اخراج اسرائیل از جنوب لبنان بود که انگیزه آنها رسیدن به قدس و آزادی آن نیز بود. و این مسئله دارای مفهوم سیاسی و الائی است زیرا پس از خروج مبارزان فلسطینی از لبنان و رفتن یاسر عرفات به کشورهای عربی و توافق با دولتهای مرتجع در آن کشورها و در کنفرانس فاس، به این معنی بود که جنگ فلسطینیها و اسرائیل به پایان رسیده! و اسرائیل با تجاوز به لبنان، خواست این مسئله را تثبیت کند و در نتیجه توان اعراب و فلسطینیان را از بین برده و آنها را مجبور به صلح و همزیستی! با خویش کند.

مبارزه در جنوب لبنان بر اساس تکلیف شرعی و با رهبری و راهنمایی امام که می فرماید: «اسرائیل باید از زمین برود» شروع شد و از این روی، جنگ در لبنان، به سرعت از یک جنگ فلسطینی، اسرائیلی و یا عربی-اسرائیلی به یک جنگ بین مسلمانان و صهیونیست ها، تغییر قیافه داد و اکنون نه تنها در لبنان که در تمام جهان، اسلام با اسرائیل در جنگ است نه اعراب و این دستاورد بسیار مهمی است.

مسلمانان با اعتماد بر خدا و داشتن روحیه شهادت خواهی، علی رغم کمی و بی ارزش بودن تجهیزات نظامیشان معجزه بزرگی را در لبنان آفریدند. جنوب لبنان، صد درصد به یک کره لای حقیقی در مبارزه با اسرائیل، تبدیل شد و چهره خون آلود به خود گرفت. آری! هیچ کس نمی تواند اقدام به یک عمل شهادت جویانه بکند مگر آنکه حسین «ع» را امام و رهبر خود بداند و از او نیرو بگیرد. و مردم جنوب لبنان با روحیه حسینی و با توکل بر خدا و پیوستن به خط انقلاب مقدس اسلامی و رهبری امام، معادلات لبنان را برهم زدند و ناآنجا در مبارزه پیش رفتند که اسرائیل را. با آن همه قدرت و نیروی نظامی. به ضعف و ناتوانی و زبونی کشانده اند.

امروز اسرائیل خود را از هر زمان دیگر ضعیف تر و ناتوان تر می بیند زیرا بقول صهیونیست ها، این شیعیان خمینیست که با اسرائیل می جنگند، دیوانه اند. آری! اینان دیوانه عشق به خداوندند که اینچنین بی پروا با دشمنان خدا مبارزه می کنند و بقول یک مسئول اسرائیلی: عملیات فلسطینیها در مقابل عملیات حزب الله لبنان، مانند بازی بچه ها است زیرا کسی باور نمی کرد یک انسان معمولی، مواد متفجره را بر خود ببندد و تانک و سلاحهای سنگینی را نابود سازد یا با یک خودرو مقر فرماندهی صهیونیست ها را به آتش بکشد، لذا طبیعی است که چنین عملیات مشهورانه ای از دیدگاه آنها دیوانگی بحساب آید.

نهضت ملی!

یکی از نوطه های حساب شده دشمنان و ابرقدرتها و مزدوران آنها در منطقه این بود که در برابر نهضت اسلامی، عنوان مقاومت ملی! را مطرح کردند. ما بر این باوریم که این مسئله از خطرناکترین نوطه هائی بوده که علیه مسلمانان مبارز در لبنان صورت گرفته است زیرا آنها می خواستند که اسلام به عنوان طرف مقابل با اسرائیل مطرح نشود و در این باره تمام کشورهای عربی و غیر عربی فعالیت های تبلیغاتی گسترده ای براه انداختند که مقاومت ملی را جایگزین نهضت اسلامی کنند، حتی جنبش امل نیز نمی پذیرفت

که نهضت اسلامی وجود دارد! و تا چندی پیش سخن از نهضت ملی به میان می‌آورد.

آمریکا شخصیت‌هایی را در این نهضت ملی به میدان آورد و آنان را با تبلیغات دامنه‌دار، مطرح کرد تا اینکه زمینه صلح با اسرائیل فراهم شود. و از این روی، هنگامی که موافقتنامه «تافوره» بین اسرائیل و لبنان مطرح شد، اکثرآنانی که عضو نهضت ملی بودند، موافقت کردند که با اسرائیل به مذاکره بنشینند، و از همین جا معلوم می‌شود اصل طرح نهضت ملی، یک توطئه حساب شده بوده است.

توطئه‌های بی دریبی

پس از خروج اجباری اسرائیل از بخش بزرگی از جنوب لبنان، توطئه سیاسی جدیدی مطرح شد و آن اینکه جنگ با اسرائیل را متوقف کنند و ناپدید بگردند و موضوع اصلاحات داخلی لبنان را به میان بکشند.

جالب اینجا است، کسانی که این توطئه را مطرح کردند، همان اعضای نهضت ملی بودند. و پس از آن، توطئه‌ها و نقشه‌های دیگری را برای کوییدن مبارزه مردم مسلمان لبنان بی‌ریزی نمودند مانند نبرد با «مراطون» درگیری با برادران اهل سنت، جنگ مسلحانه با فلسطینی‌ها و جنگ خونین طرابلس. این نقشه‌ها آنگاه حساب شده و بلید طرح ریزی شده بود که نزدیک بود به جنگ بین گروه‌های مختلف شیعیان نیز منتهی شود.

آری! این توطئه‌ای بود بسیار بزرگ که از سوی آمریکا و اسرائیل برای به نابودی کشاندن ما به وجود آمده بود و غرض آنها انتقام‌گیری از شکست خود در جنگ نظامی بود که به این جنگ سیاسی دست زدند و باید اعتراف کنیم که: این توطئه‌های جدید بخصوص جنگ با فلسطینی‌ها، کمترین را شکست زیرا پیش از آن رخداد خطرناک، نیامی یک مسلمان شیعی در جهان به عنوان مردی که با اسرائیل و دشمن فلسطینیان، همواره در نبردی بی‌امان است و تمام مسلمانان به این انسان با فضیلت و شرف، افتخار می‌کردند، پس از گذشت مدت کوتاهی از نبرد با اسرائیل، جنگ «مجتبات» با فلسطینی‌ها را برآه انداختند تا این جبهه را با فضیلت را بکشوند و آن را

صدوهشتاد درجه، تغییر جهت دهند و تبلیغات و هیاهو برآه اندازند که: شیعیان با فلسطینی‌ها سر جنگ دارند!!

در هر صورت، حزب الله به هیچ وجه در این جنگ خانمانسوز شرکت نکرد بلکه نقشی هر چند کوچک. در متوقف نمودن آن، از راه ارتباط با شیعیان و یادآوری این مسئله که چنین جنگی بهیچ وجه جایز نیست و خلاف شرع است و توطئه‌ای علیه اسلام و مسلمین به حساب می‌آید، ایفا نمود. بعلاوه دخالت به موقع و سریع جمهوری اسلامی و اعزاز حضرت آیت‌الله کربوبی و هیئتی از سوی وزارت خارجه به لبنان و ارتباط با دست‌اندرکاران، شعله این آتش خطرناک فروکش کرد و جنگ بحمدالله متوقف شد.

جنگ طرابلس

همچنین در جنگ طرابلس، مسلمانان ضربه محکمی خوردند زیرا جنگ علیه یک شخصیت مسلمان و محبوبی مانند شیخ سعید شعبان بود که مواضع سیاسی اسلامی صریح و دلیرانه‌ای داشته و دارد و دارای روابط بسیار خوب و نزدیکی با انقلاب اسلامی است و هنگام با رهنمودهای امام دام‌طلب، عمل می‌کنند که بحمدالله این نقشه دشمن نیز با نقش بزرگی که حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی در جلوگیری از این آشوب داشتند، نقش بر آب شد. و آخرین توطئه، قرارداد سه طرفه بود که خواستند، آن را در لبنان عملی سازند.

چه وقت خط اسلامی ترسیم شد؟

در حقیقت، خط اسلامی واقعی و صحیح، آنگاه ترسیم شد که اسرائیل به لبنان یورش برد. این یورش که منتهی به اشغال جزئی از لبنان شد، تمام خط مشی‌ها را از هم جدا کرد و کاملاً مشخص شد چه کسی می‌خواهد با اسرائیل بجنگد؟ و آنچه خط مبارزه واقعی با اسرائیل را نیرومند کرد، مبارزه در محدوده خط امام و ولایت فقیه بود، و آنچه این خط را گرم نگاهداشت، خون شهیدانی بود که در این میدان جهاد گام برداشتند، و برابن سرزمین اسلامی ریخته شد

بخصوص آن سه شهیدی که عملیات انفجار مفر آمریکایی‌ها، مفر فرانسوی‌ها و مفر فرمانده نظامی را اجرا کردند، و گرچه تمام شهیدان عزیزی که با اسرائیل می‌جنگند و با دشمن محاربی تبرد می‌کنند، مورد احترام و ستایش ما هستند ولی باید حق شهیدانی که آغازگر عملیات دلیرانه بودند، محفوظ بماند.

تحقق معجزه بزرگ

لازم به تذکر است که در تمام این مسائل، بزرگترین فضیلت از آن‌ها امام و انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی با حفظ خود و عقیده و آرمان خود و با روحیه شهادت طلبی به سراغ ما آمد و لذا ما معتقدیم آنچه انقلاب ما را رونق داد و خط داد، ارزشهای والای انقلاب اسلامی ایران بود. و دلیل بر این مدعا همین است که اسرائیل در آغاز اشغال لبنان، هیچ مقاومتی از سوی مردم ندید و آنچه بر سر اسرائیل و آمریکایی‌ها و دیگر دشمنان اسلام آمد، روزی بود که پاسداران انقلاب وارد لبنان شدند و خط انقلاب اسلامی را به ارمغان آوردند. و درست در آن زمان که مؤمنین لبنان پیوند ناگسستی خود را با انقلاب و امام بستند، معجزه بزرگ در لبنان صورت گرفت.

و این را نیز باید گفت که: هرگاه به انقلاب و خط امام نزدیک شدیم، پیروزی بدست آوردیم و هرگاه از آن فاصله گرفتیم، شکست خوردیم. پس لازم است که معجزه بزرگ را که سرآوایی از انقلاب اسلامی است، ادامه دهیم تا به پیروزی بزرگ دست یابیم.

آکنون اسرائیل در وضعیت ضعیفی به سر می‌برد و ما در نیرومندترین وضعیت هستیم، هر چند دشمنان در داخل و خارج می‌خواهند ما را تضعیف کرده و اسرائیل را تقویت نمایند. البته ممکن است اسرائیل دست به جنابتهای وحشیانه‌ای بماند. صدآدم بزند و از پهنای شیبانی و دیگری استفاده کند ولی ما باید همان خط مسلمانان در ایران را دنبال کنیم که از هیچ توطئه و قدرتی نترسیدند و تزلزل‌زدند و همچنان با سربلندی و قدرت راه انقلاب را ادامه دادند و تا پیروزی کامل دنبال خواهند کرد. ما هم باید چنین باشیم.

ادامه دارد